



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 3, Issue 2, 2025

Legislative Identification of the Right to Differential Self-Defense for Women Victims of Domestic Violence in Iran (A Study in the Light of Developments in the American Criminal System)

Seyedeh Fatemeh Hosseini¹, Sahar Mohammadi*², Mohadeseh Sadeghian Lemraski³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
(Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 35-48

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0002-5395-6957

TELL: +989111775759

Email:

saharmohammadi1374@yahoo.com

Article history:

Received: 15 Mar 2025

Revised: 04 Apr 2025

Accepted: 30 Apr 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

*Differential Self-defense,
Women Victims, Domestic
Violence, Victims.*

ABSTRACT

The topic of “Legislative Identification of the Right to Differential Self-Defense for Women Victims of Domestic Violence in Iran (Study in Light of Developments in the American Criminal System)” aims to examine and analyze the challenges and opportunities in the Iranian legal system, which seeks to create effective legal responses to the realities of domestic violence against women. The type of present research is descriptive-analytical. The research tool is a survey of library resources. The results of the research indicate that, given the developments in the American criminal system and its effects on the identification of the right to differential self-defense for women victims of domestic violence, it is necessary that serious efforts be made in Iran to review and amend the laws related to the rights of women victims. The first step could include the development and approval of a specific law that explicitly defines the right to self-defense for women under domestic violence and explains its specific conditions and limitations. In addition, establishing support and counseling centers for female victims that help them become aware of their legal rights can play a significant role in encouraging them to report and defend themselves. Finally, promoting cooperation between governmental and non-governmental institutions to support female victims is essential so that legal and social mechanisms can move purposefully towards improving the conditions and ensuring the safety of these women.



This is an open access article under the CC BY license.

2025 The Authors.

How to Cite This Article: Hosseini, F; Mohammadi, S & Sadeghian Lemraski, M (2025). “Legislative Identification of the Right to Differential Self-Defense for Women Victims of Domestic Violence in Iran (A Study in the Light of Developments in the American Criminal System)”. *Journal of International Criminal Law*, 3(2): 35-48.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

شناسایی تقنینی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در ایران (مطالعه در پرتو تحولات نظام کیفری آمریکا)

سیده فاطمه حسینی^۱، سحر محمدی^{۲*}، محدثه صادقیان لمراسکی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

موضوع «شناسایی تقنینی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در ایران (مطالعه در پرتو تحولات نظام کیفری آمریکا)» با هدف بررسی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود در نظام حقوقی ایران می‌باشد که به دنبال ایجاد واکنش‌های مؤثر قانونی نسبت به واقعیت‌های خشونت خانگی علیه زنان است. نوع پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. ابزار تحقیق، فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که با توجه به تحولات نظام کیفری آمریکا و تأثیرات آن بر شناسایی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی، ضرورت دارد که در ایران نیز تلاش‌های جدی جهت بازنگری و اصلاح قوانین مربوط به حقوق زنان بزه‌دیده صورت گیرد. نخستین قدم می‌تواند شامل تدوین و تصویب قانون خاصی باشد که به صراحت حق دفاع مشروع را برای زنان تحت خشونت خانگی تعریف کند و شرایط و محدودیت‌های خاص آن را تشریح کند. علاوه بر این، ایجاد مراکز حمایتی و مشاوره‌ای برای زنان بزه‌دیده که به آنها در آگاهی از حقوق قانونی‌شان کمک کنند، می‌تواند نقش بسزایی در تشویق آنها به گزارش‌دهی و دفاع از خود ایفا کند. در نهایت، ارتقاء همکاری بین نهادهای دولتی و غیردولتی به منظور حمایت از زنان بزه‌دیده ضروری است تا سازوکارهای قانونی و اجتماعی به سمت بهبود شرایط و تأمین امنیت این زنان، حرکتی هدفمند داشته باشند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۵-۴۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۶۹۵۷-۵۳۹۵-۰۰۰۲-۰۰۰۹

تلفن: ۹۸۹۱۱۱۷۷۵۷۵۹+

ایمیل:

saharmohammadi1374@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

حق دفاع مشروع افتراقی، زنان بزه‌دیده، خشونت‌های خانگی، بزه‌دیده.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

سوءرفتار نسبت به زنان، به‌عنوان یک مسأله اجتماعی، همواره در جوامع مختلف مورد توجه بوده و در سراسر جهان، در مورد آن، پژوهش‌های زیادی از جوانب مختلف: روانشناختی، جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی صورت پذیرفته است. سوءرفتار علیه زنان در هر نژاد، ملیت، طبقه، مذهب، سن و نگرش‌های ایدئولوژیک رخ می‌دهد؛ بطوریکه می‌توان گفت که این پدیده اساساً مرزها را پشت سر گذاشته و به گونه‌های مختلف انجام می‌شود. در مورد میزان شیوع این پدیده، به دلیل ماهیت خصوصی بودن روابط، آمار دقیق و معتبری از فراوانی و درصد آن موجود نیست. به نظر می‌رسد که زن صرفاً به خاطر جنسیتی که دارد و اینکه در مقابل مردان، ضعیف جلوه می‌کند، تحت سوءرفتار قرار می‌گیرد و حقوق او تضییع می‌شود. در این رابطه، گونه‌شناسی آسیب و سوءرفتار علیه زنان و رفتارهای واکنشی آنان، مسأله‌ای در خور توجه است که موشکافی از آن و دستیابی به نتیجه، با پرده برداشتن از این قضیه، علاوه بر افزایش مصونیت اجتماعی زنان و کاهش آسیب آنان، بار دستگاه قضا را کمتر می‌کند. با توجه به وجود خشونت‌های خانگی به‌عنوان یک معضل اجتماعی جدی، ضرورت توجه قانون‌گذاران به حقوق و امنیت زنان بزه‌دیده بیش‌ازپیش احساس می‌شود. این عدم تعادل در قدرت و تهدیدات مداوم می‌تواند موجب ایجاد حس ناامنی در زنان شود و در برخی موارد، آنها را به واکنش‌های دفاعی سوق دهد. در این راستا، حق دفاع مشروع به‌عنوان ابزاری قانونی برای حمایت از زنان بزه‌دیده در برابر خشونت خانگی، اهمیت ویژه‌ای دارد. شناسایی این حق به‌طور افتراقی، به معنای تطابق شرایط خاص زنان با قواعد عمومی دفاع مشروع است که می‌تواند به آنها امکان دهد تا در برابر تهدیدات فیزیکی و روانی به دفاع بپردازند؛ بدون آنکه از ترس مجازات‌های قانونی دچار عذاب وجدان شوند. درحالی‌که مفهوم دفاع مشروع در گذشته عمدتاً به مردان و شرایط خاص آنها مربوط می‌شد، تحولات اخیر در نظام حقوقی و اجتماعی به مرور زمان به تغییر این رویکرد منجر شده و بر لزوم حمایت قانونی از زنان در مقابله با خشونت خانگی تأکید دارد. این تحولات نه تنها به ارتقاء عدالت و برابری جنسیتی کمک می‌کند، بلکه همچنین به ترویج فرهنگ عدم تحمل

نسبت به خشونت علیه زنان و بهبود امنیت اجتماعی می‌انجامد. در نهایت، بررسی عمیق‌تر این موضوع در بخش‌های مختلف حقوقی می‌تواند به تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های مؤثرتری منجر شود که حمایت‌های لازم را برای زنان بزه‌دیده فراهم کند و زمینه‌ساز ایجاد یک محیط امن‌تر برای آنها باشد.

۱- روش‌شناسی پژوهش

روش انجام تحقیق، کتابخانه‌ای و به‌صورت توصیفی-تحلیلی، می‌باشد. ابتدا، مطالب مورد نیاز، از طریق فیش‌برداری، گردآوری می‌شود، سپس به دسته‌بندی آنها پرداخته می‌شود. داده‌های مورد نیاز، تجزیه شده و مورد تحلیل و بازنگری قرار خواهند گرفت.

۲- پیشینه پژوهش

در رابطه با تحقیق حاضر، آثار ذیل قابل اشاره است:

۱- مقاله با عنوان: «شناسایی «دفاع مشروع روان‌شناسانه» در راستای حمایت از زنان خشونت‌دیده (مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری آمریکا و ایران)»، اثر حیدرپور، حمیدرضا و همکاران، فصلنامه قضاوت، ۱۴۰۳. نوشتار مذکور کوشیده است با مذاقه در رویکردهای تقنینی و قضایی در حقوق کیفری آمریکا پیرامون حق دفاع مشروع روان‌شناسانه، نظام حقوق کیفری ایران را از این منظر، آسیب‌شناسی کند و در نهایت، پیشنهاد شناسایی این حق خاص برای زنان خشونت‌دیده را در نظام حقوقی ایران ارائه نماید. یافته تحقیق حاضر این است که باوجود تحولات تقنینی و قضایی در حقوق کیفری آمریکا در اثر پذیرش نهاد دفاع مشروع روان‌شناسانه، این تأسیس، در حقوق کیفری ایران، مورد پذیرش تقنینی و قضایی نیست؛ حال آن‌که شناسایی آن در سطح تقنینی و قضایی در حقوق کیفری ایران می‌تواند گامی مهم در راستای حمایت از زنان خشونت‌دیده محسوب گردد. از سوی دیگر، توجه قانون‌گذار ایرانی به مفاهیم و رویکردهای روان‌شناسانه ازجمله مفهوم سندرم زنان کتک‌خورده در باب تدوین ضوابط و قواعد حقوقی راجع به دفاع مشروع، زمینه‌ساز حمایت عملی بیشتر و موثرتر از زنان دارای تجربه خشونت‌دیدگی در موارد مواجهه با خشونت‌های فعلی یا قریب‌الوقوع خواهد بود.

متفاوتی از امنیت ایجاد می‌کند و عموماً، زنان بیشتر از مردها احساس ناامنی می‌کنند. یک بیان ساده از امنیت برای زنان به این معناست که آنان با حضور در اجتماع و مکان‌های عمومی و خیابان، احساس ترس و نگرانی نکنند؛ اما امنیت جنسی زنان در مقوله‌های دیگری چون مالی، عاطفی، ذهنی و... نیز معنا می‌یابد و تنها این جسم نیست که در معرض خطر تعرض قرار دارد، بلکه مفاهیمی چون آبرو و حیثیت و... بیشتر برای زنان اهمیت می‌یابد. در واقع، امنیت برای زنان هم مفهومی عینی و جسمی دارد و هم مفهومی ذهنی. بُعد عینی امنیت جنبه بیرونی دارد و به سطح نظارت نیروهای انتظامی و وقوع جرم و ناامنی و... در یک جامعه اشاره دارد، ولی بُعد ذهنی امنیت بیشتر به میزان ادراک و آگاهی افراد از ناامنی اشاره دارد و در نتیجه، احساس افراد از امنیت را در نظر می‌گیرد. اما عملکردها، الگوها و فرایندهایی که در طول زمان وجود داشته، در این احساس عدم امنیت موثر بوده است؛ زنان در یک احساس روانی و اضطراب دائمی ترس به سر می‌برند. و این احساس ناامنی برای هویت زن، خانواده و به طبع جامعه او، پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت. یک مجموعه عوامل در سطح کلان، میانی و خرد، احساس امنیت را در افراد جامعه شکل می‌دهد؛ به‌عنوان مثال، ساختار کلی جامعه، مسائل اقتصادی، مشخصه‌های فردی و روانشناسانه، تجربه‌های شخصی و اجتماعی گذشته، ارتباطات اجتماعی، محیط و فضا، زمان قومیت، فرهنگ و... از عواملی است که بر احساس امنیت زنان تأثیرگذار است. وقتی در جامعه‌ای زن بلوغ اجتماعی مستقل نداشته باشد و به لحاظ اجتماعی وابسته باشد، اتصال او امنیت اجتماعی او محسوب می‌شود و انفعال او ناامنی اجتماعی اوست. اگر زن در کودکی و نوجوانی «دختر فلانی» و پس از ازدواج، «بانوی فلانی» و پس از آن، در پیری «مادر فلانی» باشد، اولاً، با ناامن شدن وضع فلانی دچار ناامنی اجتماعی می‌شود و اینکه اگر فلانی او را براند یا حریمش را رعایت نکند، دچار ناامنی اجتماعی می‌شود. ناامنی اجتماعی زنان در جامعه کنونی ایران، تا اندازه‌ای و البته، بسیار کمتر از گذشته‌ها وجود دارد و راه درمان آن دارای اجزایی است که اولین جز آن، «استقلال اجتماعی زنان» است. استقلال اجتماعی زنان به معنی ترک فرزندگی یا ترک بانویی یا ترک مادری نیست، بلکه

۲- مقاله با عنوان: «حمایت از زنان بزه‌دیده‌ی خشونت جنسی خانگی در نظام عدالت کیفری ایران»، اثر آذری، هاجر؛ بابازاده، زهرا، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۲، ۱۳۹۸، صفحات ۲۸۰-۲۵۹. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اغلب شکایت‌های کیفری زنان تحت این عنوان بدون پاسخ می‌ماند، قرار منع تعقیب صادر می‌گردد و صرفاً در صورت داشتن وصف جرح و آسیب، منجر به محکومیت دیه می‌شود. در اجرا، سختی اثبات جرم و فقدان ضابطه‌های عینی در تشخیص دامنه‌ی تمکین منجر به تفاسیر شخصی قضات، چشم‌پوشی عامدانه و در مجموع، رویه‌ی قضایی متفاوت نسبت به مسئله شده است. لذا، با توجه به ناتوانی سازوکارهای کیفری موجود، از منظر ماهوی و شکلی و نیز ناکارآمدی ادله اثبات در این موضوع، اولین و مهمترین راهکار حمایتی، ضرورت جرم‌انگاری مستقل خشونت جنسی خانگی در گفتمان تقنینی همراه با تعیین ضمانت اجرای متناسب با نیازهای بزه‌دیده و دادرسی افتراقی در محاکم کیفری می‌باشد.

نظر به آثار یادشده، هدف از این پژوهش، شناسایی و بررسی امکان تقنین حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در ایران است؛ با توجه به این که زنان در این شرایط اغلب در موقعیت ضعف و نابرابری قرار دارند و دفاع از خود در برابر خشونت‌های مستمر نیازمند رویکردی متفاوت است، این پژوهش با مطالعه تطبیقی تحولات نظام کیفری آمریکا در زمینه دفاع مشروع برای زنان، تلاش می‌کند تا الگوها و راهکارهای مناسب برای حمایت قانونی از این قشر آسیب پذیر را شناسایی کند و با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، اجتماعی و حقوقی ایران، پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین و مقررات موجود ارائه دهد. هدف نهایی، تقویت حمایت از زنان قربانی خشونت خانگی و تضمین حق دفاع از خود در چارچوب قوانین و مقررات است؛ لذا، از این حیث، از جنبه نوآورانه برخوردار است و از آثار فوق‌الذکر متمایز می‌گردد.

۳- ضرورت امنیت زنان

یکی از دغدغه‌های همیشگی زنان، مسئله امنیت است؛ زیرا جنسیت و خصوصیات بیولوژیکی معطوف به آن معنا و احساس

اگر استقلال اجتماعی زنان حاصل شود، می‌توان «فرزندی»، «بانویی» و «مادری» را در سایه استقلال اجتماعی زن دوباره تعریف و ترسیم کرد (دربانی، ۱۳۹۸: ۲۴-۲۳).

باید خاطر نشان کرد اشتغال زن، شرط کافی برای استقلال اجتماعی زن و امنیت اجتماعی زن نیست و چه بسیار زنان شاغلی که از بسیاری از زنان غیرشاغل، استقلال اجتماعی کمتر و ناامنی اجتماعی بیشتری دارند. زمینه‌های مشارکت اجتماعی زنان را باید فعال کرد؛ هیچ توسعه‌ای مگر با حضور فعال زنان اتفاق نمی‌افتد. ما به زنانی احتیاج داریم که در جایگاه درستی در جامعه قرار داشته باشند. زنان باید پل ارتباطی توسعه باشند و برای این کار، باید از وجود خود شروع کنند. در مورد توانایی نقش‌پذیری زنان جامعه می‌توان گفت: زن‌ها حداقل دارای سه نقش هستند، در حالی که مردان ما دو نقش را پذیرا هستند. زن‌ها دارای نقش‌های اجتماعی، خانوادگی و توسعه خدمات داوطلبانه هستند، اما مردان اکثراً نقش‌های اجتماعی و خانوادگی را دارا هستند و آنچه از همه جالب‌تر است، این است که اولین شبکه‌های NGO یا سازمان‌های غیردولتی مطبوعات و انجمن‌های خانه و مدرسه را زنان تشکیل می‌دهند. زنان بسیار راحت و داوطلبانه بدون هیچ چشم‌داشتی همکاری می‌کنند؛ اینان عادت کرده‌اند بدون اینکه مزدی بگیرند، کار کنند؛ اما مردان نه! از این رو، نقش زنان در توسعه خیلی بیشتر از مردان است (احمدی و احیایی، ۱۳۹۳: ۵). نتیجه اینکه با تاکید به مسائل زنان و تامین مؤلفه‌های امنیت در محل سکونت و اجتماع و از بین بردن وضعیت نامناسب اقتصادی، مزاحمت‌های خیابانی و همسرآزاری می‌توان گامی بلند در جهت اصلاحات و توسعه جامعه برداشت. در مورد موثر بودن محیط فیزیکی بر احساس امنیت، نظریات بسیاری مطرح شده است. با توجه به اینکه افراد بیشترین ارتباط با محیط خارج از خانه خود را دارند، فضای عمومی تاثیر مهمی در احساس امنیت دارد. امروزه، اکثر فضاهای شهری ماهیتی جنسی شده یافته است. غالباً، درک ذهنی زنان از محیط فیزیکی و فضای شهری یک جغرافیای ترس، پرخطر و خشونت و فضاهای جنسیتی است که پیامد آن، احساس عدم امنیت است (همان: ۲۵).

۴- ماهیت دفاع مشروع

واژه «دفاع» از ماده «دفع» در کتب لغت در چند معنا استعمال شده است؛ دور کردن از کسی، همدیگر را راندن (عبدالرحیم، ۱۳۹۳: ۱ / ۳۹۳) و نیز به معنای مداخله کردن از حق کسی و یاور کردن و حمایت کردن از کسی آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۶۲۴). حقوقدانان دفاع مشروع را از عوامل موجهه-ی جرم برمی‌شمردند. لنگرودی در تعریف دفاع مشروع می‌گوید: «شخص مورد تجاوز، در صورت نداشتن وقت برای توسل به قوای دولتی به منظور رفع تجاوز، حق دارد به نیروی شخصی از ناموس، جان و مال خود دفاع کند و این دفاع را دفاع مشروع گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۰۶). مرحوم امام در تعریف دفاع مشروع می‌گوید: «برای انسان جایز است تا محارب، مهاجم، دزد و مانند این‌ها را از خود و حریم و مال خود، در صورتی که بتواند، منع نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۴۸۷). مرحوم اردبیلی در مجمع الفائده، یکی از دلایل وجوب دفع مهاجم را وجوب امر به معروف و نهی از منکر برمی‌شمرد و قاعده «الأسهل فالأسهل» را مستفاد از همین دلیل می‌داند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۳ / ۳۰۰). از نظر ایشان، آنچه که مقصود از دفاع است، قتل و ایجاد جراحت بواسطه‌ی هدر بودن خون نیست؛ بلکه مقصود از دفاع، دفع نمودن از هر طریق آسانی است و اینگونه نیست که شخص به محض ورود به منزل غیر، مهدورالدم محسوب گردد؛ بلکه خون مهاجم اجمالاً محترم بوده و فقط بواسطه جراحی که با رویه‌ی الأسهل وارد شده و در حالتی که مهاجم نیز اصرار بر تداوم تجاوز خود داشته، هدر خواهد بود (آل طاهاه، بشیری، ۱۳۹۸: ۳).

۵- ماهیت خشونت خانگی علیه زنان

خشونت خانگی علیه زنان در خانواده‌ها شایعترین شکل خشونت علیه آنان است. نتایج بررسیها حاکی از آن است که احتمال ضرب و جرح، تجاوز و قتل زنان به دست همسرانشان بیش از هر کس دیگری است.

طبیعت خشونت علیه زنان در خانواده به گونه‌ای است که می‌توان آن را نوعی شکنجه دانست. چنین تهاجم‌هایی با هدف ایجاد جراحت‌های روانی و جسمی صورت گرفته و اغلب علاوه بر خشونت فیزیکی، موجب تحقیر زنان می‌گردد. ضمناً،

به اعتقاد استراوس (۱۹۹۱)، یکی از علل اجتماعی خشونت خانگی، میزان بالای تنش است که یکی از ویژگیهای خانواده-هاست. قسمت زیادی از این تنش مربوط به عواملی است که اساس زندگی خانوادگی را شکل می‌دهد. طبق نظر گلز و استراوس (۱۹۷۹)، این عوامل عبارتند از: عضویت ناخواسته، بالابودن مشارکت جنسیت و تفاوت‌های سنی، حریم خصوصی خانواده، دامنه فعالیتها و علایق، حق تأثیرگذاری و هویت مشترک؛ این عوامل میزان بالایی از تنش را ایجاد می‌کنند که به نوبه خود این خطر را افزایش می‌دهند که یکی از اعضای خانواده سعی کند با استفاده از خشونت، در این تنش پیروز شود. با افزایش میزان تنش، میزان آزار هم تا حد زیادی افزایش پیدا می‌کند.

مارتین (۱۹۸۵) دسته‌بندی زیر را از خشونت‌های روانی ارائه داده است که مفاد عبارت او می‌رساند که آنچه مدنظر قرار داده، خشونت نسبت به همسر و یا همان همسرآزاری می‌باشد. عبارت ایشان به قرار ذیل است:

«تهدید آشکار یا پنهان قربانی به استفاده از خشونت، تحت مراقبت‌های دائمی قرارداد قربانی، نظیر کنترل کلیه رفتارهای او به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، تلفن کردن دائمی به خانه، با سرزندهای وقت و بی‌وقت برای اطلاع از حضور فرد در خانه، خواندن نامه‌ها و سایر یادداشت‌های خصوصی، تحقیر و سرزنش کلامی یا دائمی به خصوص در حضور شخص ثالث، در انزوای اجتماعی قرارداد قربانی به صورت حبس در خانه یا ایجاد ممنوعیت معاشرت با دیگران و حتی اعضای خانواده».

شکنز و گنلی نیز موارد زیر را در خشونت روانی گنجانده‌اند:
- تهدید به خشونت و آسیب‌رساندن فیزیکی؛
- حمله کردن و آسیب‌رساندن به چیزهایی که قربانی نسبت به آنها علاقمند است؛

- بدرفتاری عاطفی (حملات) کلامی مکرر جهت آسیب‌رساندن و خردکردن شخص و ایجاد احساس حقارت در او؛
- منزوی کردن فرد، مانع‌شدن از برقراری ارتباط با سیستم حمایتی مانند دوستان، خانواده و غیره.

تهاجم‌های جنسی، شکنجه‌هایی غیرقابل‌پیش‌بینی بوده و ارتباط اندکی با طبیعت و رفتار خود زنان دارد.

در همین رابطه، گفته شده است که خشونت روحی- روانی (عاطفی) شامل بدرفتاری کلامی و عاطفی مثل تمسخر در جمع، تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری، دشنام و ناسزا است که نتیجه آن، از بین رفتن اعتماد به نفس، به هم خوردن تعادل روانی و تمایل به خودکشی می‌باشد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۵).

مگارژی خشونت را چنین تعریف می‌کند:

«خشونت به معنای اشکال افراطی رفتار پرخاشگرانه است که احتمالاً باعث آسیب‌های مشخص به قربانی می‌گردد» (همان).

کوک، خشونت را قصد استفاده از قدرت فیزیکی به منظور ایجاد، آزار، تخریب و مرگ می‌داند؛ وی در تعریفی دیگر، خشونت را به استفاده از قدرت یا اجبار قانونی یا غیره برای ایجاد آسیب از طریق دستور دادن به اطاعت از یکسری ارزشهای اخلاقی یا اجتماعی تعریف کرده است.

طبق یک نظر، خشونت را می‌توان عملی آسیب‌رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفاً جنبه فیزیکی ندارد، بلکه ممکن است ابعاد روانی (فحاشی، تحقیر، منزوی کردن فرد، داد و فریاد، آزار و مزاحمت جنسی) و اقتصادی (شکستن وسایل خانه و...) هم به خود بگیرد.

داریاپور خشونت را چنین تعریف می‌کند:

«هر نوع سوءاستفاده از قدرت یا اعمال فشار از قبیل بدرفتاری، ضرب و جرح و واردآوردن آسیب‌های جسمانی، خشونت است و از نظر حقوقی، اعمال غیرعادلانه و غیرموجه قدرت توأم با صرف انرژی زیاد که جهت تثبیت حاکمیت یک گروه یک فرد یا یک سازمان به کار برده می‌شود نیز خشونت به حساب می‌آید».

اعلامیه حذف خشونت علیه زنان (۱۹۹۳) خشونت علیه زنان را چنین تعریف می‌نماید: «هر عمل مبتنی بر جنسیت که منجر و یا احتمالاً، منجر به صدمه یا آزار جسمی جنسی و یا روحی به زنان شود، شامل تهدید، اجبار و یا محرومیت از آزادی، خواه در خانواده و خواه در زندگی شخصی». این تعریف همچنین، شامل موارد ذیل می‌شود:

و آزار جنسی اغلب با خشونت‌های فیزیکی همراه است؛ در نتیجه، تمامی این اشکال ذیل عنوان کلی خشونت واقع می‌شوند؛ چرا که در تمامی این صور، آسیب‌های روحی - روانی زن امری مسلم تلقی می‌شود.

طبق آنچه گذشت، خشونت خانگی علیه زنان، یکی از مصیبت‌ها و مشکلاتی است که همه جوامع در حال حاضر، با آن درگیر هستند. این مشکل نه تنها روی قربانیان، بلکه روی کودکانی که مشاهده‌گر آن هستند نیز اثرات جبران‌ناپذیری دارد و در برآوردن نیازهای اساسی آنها و ایجاد سوءرفتارشان و همچنین، الگوپذیری کودکان تاثیر می‌گذارد. ظاهراً، کتک‌زدن همسر وسیله‌ایست که شوهر می‌تواند سلطه خویش را بر زن حفظ کند؛ مخصوصاً در زمان فقدان دیگر منابع مشروع مثل برتری عقلانی یا اقتصادی.

۶- مشروعیت دفاع از نفس

مستفاد از روایات باب دفاع و نیز اجماع فقها، دفاع از نفس نیز همچون دفاع از عرض، واجب شمرده شده است و مهاجمی که به قصد جان دیگری، بر وی هجوم آورد، مصداق بارز محارب محسوب می‌گردد و این از مواردی است که شرع مقدس نسبت به آن تسامحی به خرج نداده؛ همچنان که در دفاع از عرض چنین است. مرحوم امام در تحریرالوسیله درخصوص دفاع از جان می‌گوید: «اگر دزدی و یا غیردزدی به خانه کسی وارد شود و قصد قتل او را داشته باشد، دفاع بر صاحب‌خانه واجب بوده و باید از هر وسیله‌ی ممکن که در اختیار دارد، استفاده نماید؛ هرچند مهاجم کشته شود و تسلیم در برابر او به هیچ‌وجه جایز نیست و اما اینکه تسلیم در برابر او جایز نیست، به خاطر این است که اگر بخواهد در برابر چنین کسی تسلیم شود، کشته می‌شود و بدیهی است که حفظ نفس بر او واجب است و اگر از خود دفاع نکرد و کشته شد، در قتل نفس خود، به قاتل کمک و مساعدت کرده و این امر شرعاً و عقلاً حرام است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲ / ۳۳۱).

روایات زیادی در مورد وجوب دفاع از نفس در کتب روایی وارد شده است، از جمله:

الف- روایتی از محمدبن یعقوب از ابی جعفر (ع) که می‌فرماید: «اللَّصُّ يَدْخُلُ عَلَيَّ فِي بَيْتِي يُرِيدُ نَفْسِي وَ مَالِي - فَقَالَ أَقْتَلُهُ فَأَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَنْ سَمِعَ أَنْ دَمَهُ فِي عُنُقِي الْحَدِيثُ؛ به امام باقر (ع) عرض

علاوه بر مطالب یادشده، گفتنی است که برای برخی از زنان سوءاستفاده عاطفی ناشی از توهین لاینقطع و حکومت مستبدانه شوهرانشان دردناک‌تر از حمله‌های فیزیکی است؛ چرا که چنین رفتاری اعتمادبه‌نفس، اطمینان و خودباوری آنها را از بین می‌برد. شاید شدت و تاثیر سوءاستفاده عاطفی، تنها با وقوع یک حمله خشونت‌بار تا حد زیادی تشدید شود. طبق گزارشهایی که از زنان عنوان می‌کنند، بدترین جنبه ضرب و شتم، (جرح) خود خشونت نیست؛ بلکه عذاب روانی و زندگی در ترس و وحشت ناشی از آن می‌باشد.

در مجموع، می‌توان گفت خشونت رفتاری است که به وسیله مردان برای کنترل همسرانشان اعمال شده و باعث آسیب‌های روانی، فیزیکی و جنسی می‌شود و انزوای اجتماعی یا محرومیت اقتصادی را در پی دارد؛ به گونه‌ای که زن در ترس و وحشت زندگی می‌کند (اعظم زاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

بنا بر مطالب مطروحه، خشونت خانگی علیه زنان، به هرگونه رفتار عمدی نسبت به زن توسط همسر یا شریک جنسی اطلاق می‌شود که می‌تواند انواع گوناگونی از بدرفتاریهای جسمانی، عاطفی و جنسی را در برگیرد (واکر، ۱۹۹۹). به تعبیری دیگر، خشونت خانگی علیه زنان، هر نوع رفتار و گفتار خشنی است که سلامت روحی و روانی فرد را با خطر مواجه نماید یا رفتار خشونت‌آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتمادبه‌نفس زن را خدشه‌دار کند (کار، ۱۳۸۰: ۳۱۴) که با معرفیهایی نظیر دادزدن، هل دادن، سیلی‌زدن، فحش و ناسزا و لعنت‌کردن، جلوگیری از دیدار فامیل و مواردی مانند آن شناخته شده است. چنانچه خشونت به اشکالی باشد که جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد، بیشتر تحت عنوان همسرآزاری فیزیکی از آن تعبیر آورده می‌شود (همان: ۲۹۲).

هرچند که عده‌ای کوشیده‌اند تا شق سومی از خشونت جنسی علیه زنان را تعریف کنند و مجبورکردن برای تماس جنسی بدون توافق کامل یا هر نوع رفتار خشنی که از روی قصد و نیت جهت تهدید، سوءاستفاده و صدمه جنسی (مجبی، ۱۳۸۰: ۹) را ذیل این عنوان آورده‌اند، اما بدیهی است که آزار زن ممکن است شکلی از آزار جنسی و تجاوز جنسی را در برگیرد

۷- حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در ایران

شناسایی تقنینی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در ایران یکی از مسائل حیاتی و ضروری در راستای تضمین امنیت و حمایت از این گروه آسیب‌پذیر است. در حقوق کیفری ایران، مفهوم دفاع مشروع به‌عنوان یک دلیل موجه برای ارتکاب عمل مجرمانه شناخته می‌شود که براساس آن، فردی که تحت تهدید یا حمله قرار می‌گیرد، می‌تواند در واکنش به این تهدید، اقداماتی را انجام دهد. با این حال، در مورد زنان بزه‌دیده، پیچیدگی‌های خاصی وجود دارد که نیاز به تعریف و شناخت دقیق‌تری از حق دفاع مشروع افتراقی دارد.

قوانین کنونی به‌ویژه در زمینه حمایت از زنان و نحوه برخورد با خشونت‌های خانگی اغلب به‌صورت ناکافی عمل کرده و نیاز به بازنگری و تقویت دارند. حق دفاع مشروع می‌تواند به‌عنوان ابزاری مهم در دست زنان برای مقابله با خشونت‌های خانگی عمل کند، به شرط آنکه تقنین این حق به‌صورت افتراقی و با در نظر گرفتن شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی انجام شود؛ به‌طور مثال، زنانی که تحت خشونت‌های مداوم قرار دارند، ممکن است در شرایطی قرار بگیرند که مجبور شوند برای دفاع از خود و حفظ امنیت‌شان دست به اقدامات غیرمتعارف بزنند که در این موارد باید حق دفاع مشروع به‌طور خاص و با در نظر گرفتن وضعیت آن‌ها در نظر گرفته شود (عبداللهی، ۱۳۹۸: ۱/۱۱۴).

شرایطی که برای تحقق دفاع مشروع لازم است، دامنه آن را محدود کرده است؛ به‌عنوان مثال، قانون‌گذار ایران هرگونه واکنش تهدیدآمیزی را موجب تحقق دفاع مشروع نمی‌شناسد و برای تجاوز، شرایطی بیان کرده است. مباحث مربوط به دفاع مشروع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ بیان شده است. موضوع دفاع در قانون جدید نیز طبق ماده ۱۵۶ این قانون: جان، مال، ناموس، عرض و آزادی تن بیان شده است. طبق ماده ۱۵۶ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق

کرم: دزدی به قصد جان و مال من وارد خانه‌ام می‌شود. امام فرمود: او را بکش؛ خدا را و هر کسی که سخنم را می‌شنود، گواه می‌گیرم که خون او بر گردن من باشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۹۷). این روایت به وضوح بر حق دفاع مشروع تأکید می‌کند که در شرایط خطر، افراد مجاز به انجام اقداماتی هستند که امنیت و جان‌شان را تأمین کند.

ب- روایة الحسن بن ابی غندر، عن ابی ایوب، قال: سمعت أبا عبدالله (ع) یقول: من دخل علی مؤمن داره محارباً له فدمه مباح فی تلك الحال للمؤمن و هو فی عنقی؛ حسین ابی غندر از ابی ایوب روایت کرد که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: «هر کس که به حالت محاربه وارد خانه مؤمنی شود، در آن حالت خون او بر آن مؤمن مباح و بر گردن من است» (حرّعاملی، ۱۴۱۹: ۲۸/۳۲۱). این دیدگاه به‌روشنی مؤید آن است که دفاع از خود به‌عنوان یک حق مطلق و غیرقابل چشم‌پوشی در نظر گرفته شده و برای حفاظت از جان مؤمنین ضروری است.

ج- حلبی (عبیدالله) گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هر کس به قصد زدن دیگری دست گشاید و آن شخص از خود دفاع کرده و او را براند و متجاوز زخم دیده یا کشته شود، چیزی بر او تعلق نخواهد گرفت» (یعنی دفع‌کننده نباید دیه بپردازد) (صدوق، ۱۴۰۹: ۵/۴۶۹). این روایت به معنای این است که نظام حقوقی اسلامی در مواجهه با دفاع مشروع، توجه ویژه‌ای به حقوق افراد دارد و اطمینان می‌دهد که دفاع از خود نه‌تنها مشروع، بلکه مستلزم عواقب منفی برای مدافع نخواهد بود.

به‌طور کلی، این روایات به‌وضوح بر ضرورت و وجوب دفاع از نفس تأکید دارند و نشان‌دهنده این است که در شرایطی که جان یا مال فرد به خطر می‌افتد، او مجاز است که از خود دفاع کند و اقدامات او به‌عنوان دفاع مشروع شناخته می‌شود. این موضوع در همه فرهنگ‌ها و نظام‌های حقوقی اهمیت دارد، اما در متون اسلامی به‌ویژه با تأکید بر این اصول، آسودگی خاطر به مؤمنین داده می‌شود که می‌توانند در برابر تهدیدات از خود دفاع کنند.

از او سلب می‌شود. این امر از تشویق رفتارهای تحریک‌آمیز و پرخاشگرانه جلوگیری می‌کند و مسئولیت فرد را در قبال رفتارهای خود معین می‌سازد.

در نهایت، چهارمین شرط تأکید می‌کند که توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود. این شرط مهم است، زیرا به اهمیت و سرعت عمل در مواجهه با تهدیدها اشاره می‌کند. در مواردی که امکان استفاده از نیروهای دولتی وجود ندارد و یا آن‌ها به موقع نمی‌توانند کمک کنند، فرد حق دارد به اقدامات دفاعی خود ادامه دهد.

دفاع مشروع از جمله مصادیق عوامل موجهه جرم به‌شمار می‌آید که بر مبنای آن، عنصر قانونی زایل گشته و عملی که صورت گرفته است، جرم محسوب نمی‌شود. البته، گروهی از حقوق‌دانان اسلامی عوامل موجهه جرم را هم‌ردیف با عوامل رافع مسئولیت کیفری تحت عنوان اسباب عدم مسئولیت جزایی مورد بررسی قرار داده‌اند. در زمینه مبانی دفاع مشروع نیز دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به نظراتی چون نظریه حق طبیعی، نقض قرارداد اجتماعی و تعارض دو حق اشاره نمود.

در زمینه دفاع مشروع، این سؤال مطرح می‌شود که اگر شرایط مذکور به هر علتی رعایت نگردد و به تبع آن، حالت دفاع مشروع محقق نشود، شخص باید به مجازات عملش محکوم گردد یا این که ضرورت ایجاب می‌کند گفتمان تقنینی با تغییری جنسیت‌محور در شرایط تحقق دفاع مشروع، بین حالتی که مدافع عمداً شرایط را رعایت نمی‌کند و حالتی که به دلیل شرایط روانی ویژه، مدافع برخی شرایط و مؤلفه‌های دفاع مشروع را رعایت نمی‌کند، تفکیک قائل شود.

به نظر نگارنده، شرایط روانی زنان کتک‌خورده در هنگام ارتکاب قتل، به گونه‌ای است که بازتعریف مؤلفه‌های دفاع مشروع را بر پایه شرایط روانی این زنان توجیه نماید.

زمانی که زنان کتک‌خورده اقدام به قتل همسر یا شرکای خود می‌کنند، شایع‌ترین دفاعی که با توسل به آن درصند از مجازات قتل عمد رهایی یابند، دفاع مشروع است. در حالی که

قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود: الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب- دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد. پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود».

تحلیل ماده فوق بیان‌گر شرایط و اصول دفاع مشروع در نظام حقوقی ایران است که در آن، به فرد حق داده شده تا در برابر تهدیدات و خطرات به دفاع از خود یا دیگران بپردازد؛ بدون آنکه به مجازات قانونی دچار شود. این ماده به‌ویژه در رفتار افراد در شرایطی که خود یا دیگران در معرض خطر قرار دارند، نقش مهمی ایفا می‌کند و چهار شرط را برای معافیت از مجازات در نظر گرفته است که در ادامه، به تفصیل تحلیل می‌شود.

نخستین شرط بیان می‌کند که رفتار ارتكابی باید به‌گونه‌ای باشد که برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. این بدان معناست که فرد باید در شرایطی قرار بگیرد که اقدامات او برای دفع خطرات مؤثر و لازم باشد و هیچ‌گزینه دیگری برای مقابله با تهدید وجود نداشته باشد. این شرط نشان‌دهنده اهمیت تناسب میان عمل دفاعی و نوع خطر است که موجب می‌شود تا اقدامات احساسی یا غیرمنطقی مورد استفاده قرار نگیرند و از طرفی، اعتبار دفاع مشروع را بالا ببرد.

دومین شرط به مستندبودن دفاع به قراین معقول یا خوف عقلایی اشاره دارد. این امر بدین معنی است که رفتار فرد باید براساس شواهد منطقی یا ترس معقول از خطرات آینده باشد. در این راستا، فرد نمی‌تواند صرفاً بر پایه حدس و گمان، اقدام به دفاع کند؛ بلکه لازم است که دلایل کافی و منطقی برای احساس خطر و اقدام به دفاع داشته باشد. این شرط نقش کلیدی در جلوگیری از سوءاستفاده از حق دفاع و افزایش عدالت در ارزیابی رفتار افراد ایفا می‌کند.

سومین شرط پیش‌بینی می‌کند که خطر و تجاوز نباید به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت گرفته باشد. این نکته به نقش فرد در ایجاد وضعیت خطر اشاره دارد، به‌طوری که اگر خود فرد موجب بروز خطر شده باشد، حق دفاع

آخرین راه‌حل تلقی شود. از طرف دیگر، آنها بر این باورند که به‌طور واقعی، این دسته از زنان هرگز قادر نخواهند بود ثابت کنند که با یک خطر و تجاوز قریب‌الوقوع عینی مواجه بوده‌اند؛ زیرا آن‌ها دقیقاً در شرایط غیرقهرآمیز و غیرمقابله‌ای دست به چنین رفتاری زده‌اند.

مشکل دیگری که این زنان در صورت توسل به دفاع مشروع با آن مواجه خواهند شد، آن است که در بیشتر موارد چون عمل ارتكابی آن‌ها بیش از حد ضرورت است، پذیرش دفاع مشروع به دیده تردید نگریسته می‌شود. در کنار تمام این مسائل و دشواری‌ها، ارزیابی عقلانی بودن اقدام زنان کتک‌خورده بر پایه مقایسه با یک انسان (مرد) منطقی و معقول، مشکل دیگری است که موجب شده است تقاضای دفاع مشروع این زنان در دادگاه‌ها به‌ندرت پذیرفته شود و در صورت توسل به این دفاع، وضعیت مطلوبی نداشته باشند (حبیب زاده، میرمجیدی، ۱۳۹۰: ۱۱).

۸- حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در آمریکا

در این نظام حقوقی، زنان بزه‌دیده از خشونت‌های خانگی می‌توانند از حق دفاع مشروع استفاده کنند؛ اما این حق در شرایط خاص و با توجه به نوع تهدیداتی که متوجه آنهاست، باید تعریف و محدود شود. در ایالات متحده، بسیاری از ایالت‌ها قوانینی دارند که به زنان اجازه می‌دهد در صورت وجود خطر نزدیک، برای دفاع از خود اقدام کنند و این امکانات گاهی اوقات به‌صورت افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی شناخته می‌شود.

در نظام کیفری آمریکا در گذشته، مفهوم دفاع مشروع عمده‌تاً به‌طور کلی مورد بحث قرار می‌گرفت و شرایط خاص مربوط به زنان بزه‌دیده از خشونت خانگی کمتر مورد توجه قرار می‌گفت. با این حال، به تدریج قوانین و رویه‌های قضایی تغییر کرده و متوجه نیاز ضروری به یک رویکرد حساس به جنسیت شدند که بتوانند به‌طور خاص به شرایط زنان در مواجهه با خشونت‌های خانگی رسیدگی کنند؛ به‌عنوان مثال، در سال ۱۹۹۴ با تصویب قانون خشونت علیه زنان در آمریکا تحت عنوان «Violence Against Women Act»، تحولی

با توجه به برخی مؤلفه‌های دفاع مشروع، از جمله این که خطر و تجاوز باید فعلیت داشته یا قریب‌الوقوع باشد و این که عمل ارتكابی با خطر موجود متناسب باشد، مؤلفه‌هایی که هم از نظر ذهنی و هم از نظر عینی باید ثابت شود، به این نتیجه خواهیم رسید که این تعریف برای توصیف کنش متقابل میان دو مرد بسیار مناسب‌تر است؛ در حالی که در پرونده‌های زنان کتک‌خورده، پس از تحمل مدّت‌ها فشارهای جسمی، جنسی و روانی، اقدام به قتل همسر یا شرکای خود می‌کنند؛ از آن لحاظ، به دلیل تفاوت‌های روان‌شناختی، تفاوت‌های موجود در نحوه جامعه‌پذیری و به‌ویژه تفاوت‌های جسمی، یک زن به سادگی نمی‌تواند به همان روشی که یک مرد از خود دفاع می‌کند، از خود دفاع کند. بنابراین، اقدام به قتل لزوماً در لحظه‌ای که خطر فوری و آنی وجود دارد یا تجاوز قریب‌الوقوع احساس می‌شود، اتفاق نمی‌افتد؛ به ویژه به دلیل عدم برابری قدرت زن و مرد از نظر جسمی، این احتمال همیشه هست که اقدام به قتل از سوی زن، زمانی اتفاق بیفتد که او بتواند به اندازه کافی بر خود مسلط شود و خود را به‌صورت دفاعی با چیزی چون اسلحه مجهز نماید.

همچنین، این احتمال وجود دارد که اقدام به قتل حتی هفته‌ها یا ماه‌ها بعد از آخرین جرّ و بحث و دعوا میان زن و مرد و در زمانی که به نظر می‌رسد هیچ خطری زن را تهدید نمی‌کند، واقع شود. بنابراین، دادگاه‌ها بدون در نظر گرفتن این مهم که زندگی در شرایط آزاردهنده آن هم برای مدّت طولانی، بر توانایی افراد جهت اتخاذ تدابیری مطابق با آنچه یک انسان منطقی و معقول رفتار می‌کند، اثرگذار است. زمانی که زنان کتک‌خورده به دفاع مشروع استناد می‌کنند، این موضوع را مطرح می‌کنند که در زمان ارتكاب قتل، چه خطر قریب‌الوقوع یا فعلیت‌یافته‌ای حیات زن را تهدید می‌کرده است؛ به گونه‌ای که او برای حفظ جان خود، وادار به دفاع از خود شده است.

در همین راستا، مخالفان استناد به دفاع مشروع از سوی زنان کتک‌خورده، معتقدند از نظر اخلاقی، دفاع مشروع تنها زمانی جایز است که مرتکب به‌طور منطقی معتقد باشد برای حفاظت از خود در برابر تجاوز مهلک، غیرقانونی و قریب‌الوقوع، ارتكاب قتل لازم و ضروری است. پس، دفاع مشروع باید به منزله

می‌شوند. در واقع، بسیاری از محققان و حقوقدانان اذعان دارند که زنان در مواجهه با خشونت‌های خانگی اغلب با تهدیدات مستمر و مشکلات جدی برای حفظ جان و سلامت خود روبرو هستند که نیاز به حمایت قانونی ویژه دارد. در این زمینه، برخی قانون‌گذاران و حقوقدانان پیشنهاد می‌دهند که باید یک رویکرد آموزشی و قانونی برای تبیین حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده در قانون مجازات ایجاد شود (Miller, 2018: 2/ 45).

در ایالت‌های مختلف، نظیر کالیفرنیا، زنان می‌توانند ادعا کنند که اقدام به دفاع از خود در برابر آزارواذیت و خشونت خانگی نه تنها حق آنهاست، بلکه در راستای قوانین موجود نیز توجیه‌پذیر است. شرایط خاصی برای بهره‌مندی از این حق وجود دارد که شامل ضرورت اقدام، وجود خطر مؤثر و مستندبودن به شواهد عقلانی است. این موارد به وضوح نشان‌دهنده نیاز به تجزیه و تحلیل دقیق و حمایت از حقوق زنان در برابر خشونت‌های خانگی و به‌ویژه، حقوق مربوط به دفاع از خود است. در این راستا، کارهایی در راستای اصلاح و تقویت قوانین به نفع زنان بزه‌دیده باید صورت گیرد تا آنها بتوانند در مواجهه با موقعیت‌های خطرناک، احساس اطمینان بیشتری داشته باشند و از حقوق قانونی خود به‌خوبی دفاع کنند.

یکی از نمونه‌های بارز درخصوص حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده از خشونت‌های خانگی در نظام حقوقی آمریکا، پرونده «State v. Norman» است که در ایالت کارولینای شمالی حکم صادر شد. در این پرونده، زن متهم به قتل همسرش شد که تحت خشونت مداوم او را مورد آزار قرار داده بود. دادگاه استدلال کرد که زن در حال فرار از یک وضعیت خطرناک و تهدیدآمیز بوده و این فشار به‌حدی بوده که زن احساس خطر واقعی از جان خود داشت. بنابراین، دادگاه تصمیم گرفت که دفاع او باید به‌عنوان دفاع مشروع شناسایی شود، زیرا اقدام او در شرایط بحرانی برای پیشگیری از یک تهدید قریب‌الوقوع ضروری بوده و حق دفاع مشروع او را تأیید کرد (Smith, 2020: 1/ 89).

پرونده دیگری که به‌طور مشابه به این موضوع پرداخته، «People v. Goetz» است. در این پرونده، یک زن

اساسی در رویکرد نظام کیفری به وجود آمد که هدف آن ارتقاء حقوق زنان و شناسایی حمایت‌های قانونی لازم بود (Gonzalez, 2015: 1/ 78). تحولات بعدی نیز به شناسایی دقیق‌تر حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده کمک کرد. برخی ایالت‌ها از جمله کالیفرنیا و نیویورک قوانین واضحی را به تصویب رسانده‌اند که به زنان اجازه می‌دهد در شرایط خاص، خصوصاً در مواردی که خشونت خانگی مداوم وجود دارد، اقدام به دفاع از خود کنند؛ بدون اینکه از ترس مجازات دچار پارادوکس شوند. این حق به زنان این امکان را می‌دهد که در مواجهه با تهدیدات فوری، فارغ از ملاحظات حقوقی مرسوم، به دفاع خود بپردازند و نشان‌دهنده یک درک عمیق‌تر از نیاز به حمایت از زنان بزه‌دیده است (McMahon, 2019: 3/ 103).

مهم است که توجه داشته باشیم که شناسایی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان نه تنها به‌طور عمل در محاکم قضایی به تفسیر می‌رسد، بلکه همچنین به تشریح جامعه در زمینه‌ی تجربه‌های زنان در رابطه با خشونت خانگی و چگونگی تأثیر آن بر تصمیم‌گیری‌های حقوقی نیز بستگی دارد. بروز رویه‌های قضایی مثبت و پذیرش گسترده‌تر این حق در جدیدترین اصلاحات قانونی نشان‌دهنده تحول موجود در اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی نسبت به زنان در جامعه آمریکایی است (Siegel, 2021: 2/ 145). در نتیجه، تحولات نظام کیفری آمریکا در ارتباط با شناسایی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی نشان‌دهنده یک تغییر مثبت و احساس مسئولیت اجتماعی برای محافظت از حقوق زنان در برابر خشونت است. این تغییرات نه تنها به حفظ امنیت زنان کمک می‌کند، بلکه راه را برای تخلیه واقعی و اصلاح نظام حقوقی جهت ارتقاء عدالت و برابری جنسیتی هموار می‌سازد.

یکی از جنبه‌های حق دفاع مشروع در آمریکا این است که به زنان بزه‌دیده این حق داده می‌شود که بدون ترس از مجازات، در برابر تهدیدات فیزیکی یا روانی از خود دفاع کنند. این مسأله روابط وثیقی با شرایط خاص زنان دارد، به‌ویژه در مواقعی که خشونت‌های خانگی مداوم است و آنها برای فرار از یک وضعیت خطرناک مجبور به پذیرش رفتارهای خشونت‌آمیز

است که تفسیر قوانین را محدودتر می‌کند و نیازمند اصلاحات تقنینی برای به‌رسمیت‌شناختن دفاع مشروع افتراقی است.

(ب) از منظر فرهنگی-اجتماعی

در آمریکا، تلاش‌های گسترده‌ای برای آگاهی‌رسانی در مورد خشونت خانگی و حمایت از زنان بزه‌دیده صورت گرفته و نهادهای مدنی نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. در ایران، هنوز نگرش‌های سنتی و تابوهای اجتماعی در مورد خشونت خانگی وجود دارد که مانع از گزارش‌دهی و حمایت کافی از زنان بزه‌دیده می‌شود و نیازمند تغییرات فرهنگی گسترده‌تری است. بنابراین، شناسایی تقنینی حق دفاع مشروع افتراقی در ایران، نیازمند توجه به این تمایزات و ارائه راهکارهایی است که با شرایط خاص فرهنگی و حقوقی کشور سازگار باشد (مصفا، آقایی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱، ۱۵۰).

نتیجه‌گیری

شناسایی تقنینی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در ایران نه تنها به‌عنوان یک ضرورت حقوقی، بلکه به‌مثابه یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی نیز اجتناب‌ناپذیر است. باوجود تلاش‌های قانونی مانند طرح «مقابله با خشونت علیه زنان»، هنوز در عمل، موانع زیادی وجود دارد که به حق دفاع مشروع این زنان آسیب می‌زند؛ از جمله محدودیت‌های فرهنگی، عدم آگاهی کافی از حقوق قانونی و فشارهای اجتماعی که مانع از گزارش و شکایت زنان بزه‌دیده می‌شود. این موضوع وقتی به چالش کشیده می‌شود که واقعیت‌های پیچیده زندگی زنان تحت خشونت خانگی در نظر گرفته شود؛ بنابراین، نیاز به تعریف دقیق‌تری از حق دفاع مشروع دارند که در آن، به شرایط خاص زنان بزه‌دیده توجه شود. حق دفاع مشروع نباید به‌طور عمومی و یکسان اعمال شود، بلکه باید این موضوع در نظر گرفته شود که زنان در چه شرایطی به‌دلیل تهدیدات مداوم و تاریخی در زندگی خود، به چنین اقداماتی دست می‌زنند. از این رو، این مسأله تنها یک چالش حقوقی نیست، بلکه یک مواجهه جدی با فرهنگ و ساختار اجتماعی موجود است که باید تغییر کند تا امنیت و حقوق زنان بهتر تأمین شود. از این رو، ضرورت تصویب و اجرای قوانینی که به‌طور خاص، شرایط و نیازهای زنان بزه‌دیده را

که در حال ترک یک رابطه آزاردهنده بوده، به دفاع از خود در برابر مردی که به او حمله کرده، اقدام نموده است. دادگاه حکم داده است که دفاع این زن تحت شرایط خاص و به دلیل تجربه‌های مداوم خشونت‌ها و تهدیدات قبلی، قابل قبول است. این پرونده بر این نکته تأکید دارد که اگر فرد تحت تهدید مداوم باشد، شرایط دفاع مشروع می‌تواند به‌طور افتراقی برای او تصدیق شود. دادگاه در نهایت، با تأیید حق دفاع مشروع در این مورد، برای جلوگیری از بروز مجدد خشونت به زنان، نیاز به حفاظت قانونی را تصدیق کرد (Johnson, 2018: 2/ 75).

تحلیل این پرونده‌ها نشان می‌دهد که نظام حقوقی آمریکا به‌طور فزاینده‌ای به شناسایی و تصدیق حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان توجه کرده و تلاش دارد که به مسائل پیچیده حقوقی موجود در تقابل با واقعیت‌های خشونت خانگی پاسخ دهد. این تحولات می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد یک سیستم حقوقی قوی‌تر و متعهدتر به حقوق زنان بزه‌دیده گردد.

به این ترتیب، شناسایی و رسمی‌سازی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در ایالات متحده نه تنها تضمین‌کننده حقوق فردی آنها است، بلکه گامی اساسی در جهت ارتقاء عدالت اجتماعی و کاهش خشونت علیه زنان محسوب می‌شود. از این رو، بررسی و تدوین قوانین حمایتی باید به‌عنوان یک حق طبیعی برای زنان در نظر گرفته شود تا در موقعیت‌های تهدیدآمیز، احساس امنیت و توانمندی کنند (Davis, 2020: 3/ 107).

۹- تمایز شناسایی تقنینی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در ایران و نظام کیفری آمریکا

این وجه تمایز در دو بُعد اساسی قابل بررسی است:

(الف) مبانی حقوقی و فرهنگی-اجتماعی

از منظر مبانی حقوقی، نظام کیفری آمریکا با تکیه بر حقوق عرفی و رویه‌های قضایی، امکان انعطاف بیشتری در تفسیر قوانین دفاع مشروع دارد و دادگاه‌ها می‌توانند با در نظر گرفتن شرایط خاص زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی، از جمله «سندرم زن کتک‌خورده»، حکم به بی‌گناهی آنها دهند. در مقابل، نظام حقوقی ایران مبتنی بر قانون مدون و فقه اسلامی

تعدیل شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود نهادهای حمایتی ویژه‌ای برای ارائه مشاوره حقوقی، روان‌شناختی و اجتماعی به زنان بزه‌دیده خشونت خانگی ایجاد شود. این نهادها می‌توانند با ارائه اطلاعات دقیق و آموزش‌های لازم، زنان را در شناخت حقوق خود و نحوه استفاده از آنها توانمند سازند. همچنین، این نهادها می‌توانند به‌عنوان واسطه بین زنان و دستگاه قضایی عمل کرده و از حقوق آنها در طول فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها دفاع کنند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و اجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. جلد یازدهم. چاپ سوم. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

- احمدی، آرمان و احیایی، پویان (۱۳۹۳). «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن». *فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی*، ۴(۳): ۷۵-۹۰.

- اردبیلی، محمدرضا (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. چاپ سی و سوم. تهران: انتشارات میزان.

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی، زنان کتک خورده*. چاپ اول. تهران: ناشر سالی.

لحاظ کنند، نه تنها به تقویت عدالت و برابری جنسیتی کمک می‌کند، بلکه به بهبود کیفیت زندگی این زنان و جامعه به‌طور کلی، منجر خواهد شد. شناسایی تقنینی حق دفاع مشروع افتراقی برای زنان بزه‌دیده خشونت‌های خانگی در آمریکا از ابعاد حقوقی، اجتماعی و فرهنگی تحول قابل توجهی را تجربه کرده است، اما همچنان چالش‌های جدی در این مسیر وجود دارد. با افزایش آگاهی عمومی و تحولات قانونی که به پذیرش دفاع مشروع برای زنان در شرایط خاص منجر شده‌اند، باید به واقعیت‌های پیچیده ناشی از خشونت‌های خانگی و آسیب‌های تاریخی وارد شده به این زنان توجه شود. نظام کیفری آمریکا، در تلاش برای پاسخگویی به سؤالات مربوط به دفاع مشروع، به‌طور فزاینده‌ای به الگوهای قضایی و قانونی تصریحی روی آورده و در برخی موارد، مانند پرونده‌های مرتبط با زنان که در شرایط اضطراری قرار دارند، به تفسیرهای خاصی دست زده است. این مسئله زمانی چالشی‌تر می‌شود که نابرابری‌های موجود در دسترسی به امنیت و حمایت‌های قانونی را در نظر بگیریم، چرا که اکثر زنان بزه‌دیده، به‌ویژه از اقلیت‌های اجتماعی و اقتصادی، همچنان با موانع متعددی در دستیابی به عدالت و امنیت مواجه‌اند. بنابراین، صرف شناسایی حق دفاع مشروع کافی نیست و باید سیستم‌های حمایتی مؤثری برای زنانی که زیر فشار خشونت دائم قرار دارند، ایجاد شود؛ به گونه‌ای که این حقوق نه تنها به‌عنوان یک شعار قانونی، بلکه به‌عنوان ابزاری مؤثر برای حفظ جان و کرامت انسانی آنها تجلی پیدا کند. این تغییرات نه تنها نیاز به همیاری قانون‌گذاران و مقام‌های قضایی دارد، بلکه باید به یک بحث اجتماعی در سطح جامعه منجر شود تا تمامی افراد جامعه مسئولیت حمایت از حقوق این زنان و ارتقاء امنیت اجتماعی را به عهده گیرند. پیشنهاد می‌شود که قانون مجازات اسلامی ایران در بخش مربوط به دفاع مشروع، تعدیلاتی را لحاظ کند تا شرایط خاص زنان بزه‌دیده خشونت خانگی در نظر گرفته شود. این تعدیلات می‌تواند شامل گسترش مفهوم خطر قریب‌الوقوع و پذیرش دفاع پیش‌دستانه در مواردی باشد که زن به‌طور مستمر مورد خشونت قرار گرفته و ترس منطقی از تکرار آن دارد. همچنین، لازم است معیارهای ارزیابی تناسب دفاع با تهدید، با توجه به وضعیت جسمی و روانی زن و امکانات محدود او برای دفاع،

- م صفا، ز سرین و آقای نیا، ح سین (۱۳۸۲). *خشونت علیه زنان: بررسی جرم‌شناختی و حقوقی*. تهران: انتشارات دادگستر.

- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

ب. منابع انگلیسی

- Davis, A (2020). *The Legal Framework of Domestic Violence: Protecting Victims and Empowering Women*. Boston: Women's Law Review.

- Gonzalez, M. A (2015). *The Violence against Women Act and Its Impact on Women's Rights in America*. Chicago: Feminist Press.

- Johnson, R (2018). *Self-Defense Laws and Women: Analyzing Judicial Trends in Domestic Violence Cases*. Chicago: Law Review Publishing.

- Miller, J. M (2018). *Women and Self-Defense: A Comprehensive Analysis of Domestic Violence Laws in America*. New York: Justice Press.

- McMahon, A (2019). *California Domestic Violence Laws: A Guide to Legal Protections for Women*. Los Angeles: Legal Publishing.

- Siegel, R. B (2021). *Reimagining Women's Rights: The Evolution of Self-Defense Laws in the United States*. New York: Justice Press.

- Smith, L (2020). *Domestic Violence and the Law: A Comprehensive Analysis of Self-Defense in Court Cases*. New York: Legal Insights Press.

- اعظم آزاد، منصوره و دهقان فرد، راضیه (۱۳۸۵). «خشونت علیه زنان در تهران: نقش جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی». *نشریه پژوهش زنان*، ۱۴: ۱۷۹-۱۵۹.

- آل طاه، سیدح سین و بشیری، عارف (۱۳۹۸). «نقدی بر قانون مجازات در ماهیت دفاع مشروع و رابطه آن با تهدید اخاذ به انتشار اسناد ناموسی در فضای مجازی». *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۷۶: ۱۹-۳۹.

- حبیب زاده، محمدجعفر و میرمجیدی، سپیده (۱۳۹۰). «دفاع مشروع در پرتو سندرم زنان کتک‌خورده». *نشریه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۴: ۱۱۷-۱۵۴.

- حرّاعلی، محمدبن حسن (۱۴۱۹). *وسائل الشیعه*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.

- دربانی، زلیخا (۱۳۹۸). *مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی*، به راهنمایی محمدرضا محمدی سلیمانی، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۹). *من لا یحضره الفقیه*. ترجمه علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: نشر صدوق.

- عبداللهی، سارا (۱۳۹۸). *حقوق زنان در نظام کیفری ایران*. تهران: انتشارات میزان.

- کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). *پژوه‌شی درباره خشونت علیه زنان در ایران*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰). «آسیب‌شناسی اجتماعی زنان (خشونت علیه زنان)». *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴: ۹-۱۶.